

سیاست وی در ظاهرها نشسته بود که چون یهودی
 بیبیتی خاور بود و او را در این ایام که یهودی بود
 آن سفال را بجا که بصره داد وی سوار بود از اسب
 لوله ماسی بر روی اسب و یهودی لوله لوله لوله لوله
 فرود آمد و زمین ببوسید و وجه یهودی را تمام و اگر
 لوله ماسی بر روی اسب و یهودی لوله لوله لوله لوله
 بعد از آن سوار شد **قطعه** چون شاه را عزت سیاست
 لوله ماسی بر روی اسب و یهودی لوله لوله لوله لوله
 گشت از دست مستخان ذلیل **قطعه**
 یهودی لوله لوله لوله لوله

چون ز شیر و آذین و ناخن
 خود را از او بهای لنگ سیله حکایت جوان را
 بدزدی گرفتند خلیفه حکم کرد که دست راستش
 ببرد تا از مال مسلمانان کوتاه شود جوان بنالید و گفت
 ما بدست چپ و راست چوین خدا را
 دو مدار که ما ندیم جدا از دست خلیفه فرمود که
 دستش ببرد که این حدیست از حد و دخی تعالی
 مساهله در آن مسلمان نیست مادرش همراه بود بر خا
 کلک لوله لوله لوله لوله

و گفت

و گفت ای خلیفه این فرزند منست و بدست یاری وی
 و در پیشی او رم و از دست وی روزی بی خورم **قطعه**
 فرزند بود چون جان بخشای
 لوله لوله لوله لوله

بر جان من ستم رسید
 سر رشته روزیم گفناوست
 لوله لوله لوله لوله

خلیفه گفت دستش ببرد که من این گناه از وی در می
 گذارم و گناه کاری ترک این حد بر خود روانی دارم مادر
 گفت ای خلیفه این را دیگری از آن گناهان شمار و از آن
 سزای آنکار که همان ازان استغفار می کنی و آمرزش
 حاج خلیفه را خوش آمد گفت بگذاریدش **قطعه**
 ای خوش آن داناکم پیش شاه ده
 گاه فخر از نکتة خوشی ز بند
 لوله لوله لوله لوله

Copyrighted King University